

افسانه کالوینو



آلن هسپل
محمد رضا فرزاد

قصه‌های پریان، در گذشته، یک شکل اصلی از نوشتن برای ذهن عظیم نویسندگان خلاق جهان بوده است. اغلب اروپاییان در جستجوی ریشه‌های فرهنگی خود، بر افسانه‌های عامیانه و قصه‌های پریان خود تمرکز کردند. در اوایل دوره مدرن و معاصر، ایتالیا دغدغه‌ای متفاوت با دیگر جوامع اروپایی داشت. افسانه‌هایش را گردآوری کرد و تغییر داد، دستی در آنها برد و آنها را با هم ترکیب کرد. ایتالو کالوینو متأثر از برداشت شخصی خود از این جریان فراگیر رویکرد به میراث خویشتن، در رمانش «اگر شبی از شب‌های زمستان مسافری» به طرز درخشانی، ساختار بنیادین، طرح و درونمایه اثر را از طریق قصه‌های پریان پی‌ریزی می‌کند.

«تو داری شروع به خواندن داستان جدید ایتالو کالوینو، شبی از شب‌های زمستان مسافری، می‌کنی. آرام بگیر. حواست را جمع کن. تمام افکار دیگر را از سر دور کن. بگذار دنیایی که تو را احاطه کرده در پس ابرنهمان شود.» جملات آغازین اثر کالوینو، حتی تا دو صفحه اول نمونه‌هایی از آنچه باید توسط راوی به خواننده گفته بشود ارائه می‌کند، جوری که بچه کوچکی هم بتواند آن را گوش کند، بچه را در اتویبای گرم و پتوپوش خودش در آغوش بگیرد، درست مثل وقتی که جسم مماس مادر نه تنها امنیت و آسایش را فراهم می‌کند که تنها با تعریف کردن یک تکه قصه پریان، باعث می‌شود تا طبل لرزان گوش کودک با طنین آرامش‌بخشی که یکریز از دهان خسته مادر لبریز است، نوازش بشود. شروع آموزنده این رمان سازوکاری است که کالوینو به کار می‌بندد تا به خواننده تضمین دهد که قصه‌ای پر ماجرا و مهیج در شرف آغاز است.

عبارت کلیشه «روزی روزگاری» که اولین جمله قصه‌های پریان را در گذشته، اشغال کرده در اینجا با عبارت «خب تو حالا» جایی که طرح معمول داستان نیز از آن پس آغاز می‌شود - جایگزین می‌گردد. خواننده در پی جستجوی متنی نهایی و کامل اولین گام را برمی‌دارد. در همین چندگام آغازین، او جستجوی دوسویه‌اش را در پی شاهزاده خانم داستان، خواننده مونت - لودمیلا - آغاز می‌کند. در جستجوی متنی کامل، لودمیلا و خواننده، ماجرای مخاطره‌آمیز را از خلال ده فصل کتاب، تجربه می‌کنند. در هر فصل، آنها با شرایط نمادین سختی، خصومت و خطر روبرو می‌شوند. آنها در سفر از میان رمان‌هایی از بلژیک، ایرلند، ژاپن، امریکای لاتین و سه

کشور ساختگی دیگر به مخاطره می افتند. در هر رمان، آنها به واسطه کشمکش هایی که برای توقف آنها در رسیدن به اهدافشان ایجاد شده، باز می مانند. این شرایط، بازنمایی ای از تلاش های مبالغه آمیز نیروهای اهریمنی در جهت کم کردن حضور قهرمانان داستان (مونث / مذکر) است.

نهایتاً، جهان افسانه های ایتالیایی بسیار دلنشین است، درونمایه دلخواه این جهان عشق است (هم عشق دختر - پسر و هم عشق خانوادگی) عشق، در این منظر، تنها در چارچوب حاشیه ای داستان دیده نمی شود بلکه در تمامی خرده کیهان های هر فصل نیز به خوبی نمایان است. یکی از فنون به کار رفته در اگر شب های زمستان مسافری، پذیرفتن و درک پیچیدگی های عالم از طریق عشق است. خواننده در طول جستجوی خود در پی عشق لودمیلا، باز به ناگاه با کشمکش هایی که در کار رسیدن به مقصودش کارشکنی می کنند، روبرو می شود. سیلاس فلاتری، که از قضا او هم آرزو دارد تا قلب و عشق لودمیلا را به کف آورد، در تلاش است تا با فریب دادن خواننده او را از انگیزه اصلی اش منحرف کند. سیلاس فلاتری مانع مقاومت کننده ای همچون خواهر خواننده مؤنث - لاتوریا - را در برابر خواننده قرار می دهد. بنابراین خواننده برای به چنگ آوردن شاهزاده خانمش، نخست باید مانع نویسنده را برچیند و سر آخر طرح نویسنده را خنثی کند. «در قصه های جن و پری ایتالیایی، از دواج یک فتح است. نه اینکه تنها شاهزاده با دوشیزه روستایی از دواج بکند که حتی دوشیزه هم این کار را می کند.» (Voteler 55). در پایان رمان کالوینو می نویسد که خواننده مؤنث و خواننده مذکر «در حال حاضر شما دو نفر زن و شوهر هستید، خواننده و خواننده آید.» این تلفیق ارواح سوزان در را برای بازنمایی عشق قصه جن و پری در این رمان به عنوان مجموعه ای واحد می بندد. در هر فصل، یک رابطه عاشقانه وجود دارد که عشق دختر - پسر را که به طور معمول در قصه های پریان ایتالیایی آمده است، نمونه سازی می کند.

«در همین لحظه بود که مادرم دو دستش را به هم گره زد و گفت: با کره مقدس! برای گریزتروی ما خطری نباشد، نکند با او در بیفتند!» این شاهد از فصل «با دور شدن از مالبورک» عشق میان اعضای خانواده را در قصه های پریان، نشان می دهد. مهمترین دغدغه در این نوع عشق، نیک سیرتی اعضای خانواده است. «می شد گفت که توجه مرا به خود جلب کرد.» این جمله نیز نمونه ای است متعلق به فصل «در شبکه ای از خطوط به هم پیچیده»؛ نمونه ای از عشق پسر - دختر که قصه های پریان تقریباً همیشه آن را دربر دارند. شیفتگی پروفوسور به مارجوری به سادگی کافی است تا نشان دهد که چنین تداعی وجود دارد. در فصل «بر فرشی از برگ های مور از ماه» هر دو صورت عشق میان اعضای خانواده و عشق پسر - دختر ترسیم شده است. «در حالی که به شانه هایم آویخته بود، خانم میاجی من را با خودش به روی حصیر پرت کرد [...]» این هم نمونه ای بود از عشق پسر - دختر در قصه پریان. «نمی دانم آقای اُکدا از چه وقت آنجا بود، او نه فقط به من و زنش خیره شده بود بلکه به دخترش که ما را نگاه می کرد دیده دوخته بود. در مردمک های سردش، در چین تلخ لب هایش انعکاس تشنج های خانم میاجی که در نگاه دخترش منعکس شده بود دیده می شد.» گرچه قصه های پریان بندرت چنین گرافیکی دارند اما نوشته کالوینو هم برای یک کودک نوشته نشده است. این شاهد مثال، عشق پدری را به بچه اش نشان می دهد، عشق خانوادگی. این مثال ها از هر دو گونه عشق موجود در قصه های پریان ایتالیایی، برخی کیفیات مشابه را که این رمان با قصه های پریان دارد، ارائه می کند.

قصه های پریان در شخصیت سازی و تقریباً در درازگویی چشمگیر و پیچیدگی های اپیزودیک بسیاری از این افسانه ها به طور خارق العاده ای غنی هستند... (gutton 91). پیچیدگی های اپیزودیک قصه های پریان وقتی به اگر شبی از شب های زمستان مسافری اشاره می کنیم بسیار مناسب است. حتی تنها در برخورد با ساختار این رمان، مشابهت های آن با افسانه های ایتالیایی آشکار است. زن، در درون هر فصل به خوبی چارچوب کلی

داستان، یک نوع متجاوز و محرک است. در ایفای نقش متناظر با همان نقش در افسانه‌های ایتالیایی، این شکلی است که شخصیت‌های مؤنث در این رمان تصویر شده‌اند: «... قصه‌های پریان ایتالیایی، همواره زن را به عنوان فردی فعال، جسور و شجاع تصویر می‌کنند.» (votteler 55) مادام میاجی در فصل «بر فرشی از برگ‌های منور از ماه» یک متجاوز جنسی است که حتی می‌توان چنین پنداشت که او بر نیمی از خانواده خود تسلطی کامل دارد. خانواده او بسیاری از عشاق او را می‌شناسند به گونه‌ای که انگار این موضوع به عنوان تلویحی غیرمردانه پذیرفته شده است. «در همان لحظه فهمیدم که او سؤالی از من نخواهد کرد و مرا از خانه‌اش بیرون نخواهد راند و هرگز هیچ کنایه‌ای در مورد این اتفاق و کسانی که ممکن بود باز هم این اتفاق را باعث شوند و یا آن را تکرار کنند نخواهد گفت...». این مسئله نیز بر بی‌اعتنایی خانواده خانم میاجی صحنه می‌گذارد. لودمیلا، دوست دارد تمام تصمیماتش را خودش بگیرد و بر سر نظرات اغلب جزم‌اندیشانه‌اش، بایستد. این هم به خاطر این است که «او دقیقاً نشانه‌های یک دوشیزه قصه پریان را دارا است.» (votteler 55). لودمیلا به همان چهره‌ای که زنان در قصه‌های پریان حضور دارند ترسیم می‌شود.

«مجموعه کالونو در کنار بهترین مجموعه افسانه‌های هر کجای جهان قرار می‌گیرد.» (gutton 91). بسیاری از مشخصات رمان اگر شی از شب‌های زمستان مسافری متحمل شباهت‌هایی خیره‌کننده با قصه‌های پریان است. طرح، ساختار، درونمایه‌ها و حتی شخصیت‌پردازی این رمان شباهت‌هایش را با یک افسانه به نمایش می‌گذارد. فارغ از چگونگی نقد این کتاب، این حقیقت باقی است که کالونو متأثر از فرهنگ خود، رمانی را نوشت که خود به عنوان افسانه‌ای شگفت‌انگیز همواره در نظر خواننده‌اش قاطعانه جایی ثابت خواهد داشت.

پانویس‌ها

1. Gutton, shavon and sline, Jean. volume 22.
2. Votteler, thomas, contemporary litreature criticism. Volume 73. Detroif gale research company.

۳. اگر شی از شب‌های زمستان مسافری، ترجمه لیلی گلستان، انتشارات آگاه بهار ۱۳۶۹.

